

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

اهمیت اقتصاد مقاومتی برای ایران امروز، مطالعه موردی امنیت شغلی در بخش

کشاورزی

جواد و جاهت^۱

چکیده

بخش کشاورزی در طی سال های اخیر به عنوان یکی از محور های اقتصادی کشور مطرح می باشد. با این حال مشکلات زیادی در این صنعت وجود دارد که مانع رشد و توسعه همه جانبه آن و همچنین وجود امنیت خاطر و رضایت شغلی در بین کشاورزان می گردد. اجرا و به کارگیری سیاست های اقتصاد مقاومتی که از جانب رهبر انقلاب بیان گردیده اند، مؤثر ترین راهکار در جهت حمایت از این بخش در دوران تحریم ها و پس از تحریم ها می باشد. اقتصاد مقاومتی به مثابه الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، در قالب تدابیر بلند مدت است که می تواند اهداف اقتصادی ایران را برآورده سازد. لزوم توجه به فرآوری محصولات، توجه به وضعیت صادرات و فراهم کردن تسهیلات در این بخش، استفاده از فنون دانش بنیان در کشاورزی، لزوم ترویج و اصلاح کشاورزی صحیح در بین روستاییان و عاملین اصلی امر کشت و زرع و ... از جمله راهکار هایی است که موجب آسودگی خاطرکشور از بابت تأمین امنیت غذایی و همچنین رضایت خاطر کشاورزان در جهت تأمین بودن شغل مطمئن در شرایط بحران می گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، کشاورزی، امنیت شغلی، تحریم، امنیت غذایی

۱. مقدمه

کشاورزی نخستین پیشه ای است که توسط بشر به کار گرفته شده است. وی این کار را با توجه به نیازی که به زنده بودن داشت صورت می داد. کشاورزی و دامداری منابع اصلی تأمین غذای بشر بوده و حیات انسان به آن ها وابسته است. با توجه به همین نقش ارزنده کشاورزی در زندگی بشر، می توان از آن به عنوان اهرم فشار نیز استفاده نمود. بدین معنی که هرگاه جنگی بین دو ملت در می گرفت، یکی از روش های چیره شدن بر حریف، قطع تدارکات آن ها در میدان جنگ و از بین بردن اراضی قابل کشت و زرع آن ها بود، بدین ترتیب پیروزی حاصل می گردید. این امر در شرایط کنونی نیز وجود دارد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، عملاً از میزان جنگ سخت در بین کشورهای بزرگ کاسته شد و اصطلاحاً جنگ نرم به کار گرفته شد. به عقیده ی بسیاری در این دوران اگر بخواهیم جامعه ای را مطیع خود گردانده و بر آن ها غلبه کنیم، به جای استفاده از سلاح سخت و جنگ ماشینی که هزینه های زیادی در بر دارد، باید با استفاده از تاکتیک های جنگ نرم مانند تسلط فرهنگی، اجتماعی، غذایی و ... دشمن را ناکارآمد نمود. ایجاد شرایط تحریم در حال حاضر اولین حربه ی تسلط است. بدین ترتیب که با اعمال شرایط دشوار در تبادل

۱- دانش آموخته کارشناسی مهندسی آب دانشگاه ارومیه، Jd.vejahat@gmail.com

و ورود و خروج کالا به کشور مورد نظر، ایجاد انزوا برای آنان نموده و بدین ترتیب وادار به عقب نشینی گشته و تسلط صورت می‌گیرد. این شرایط بر تمامی بخش‌ها اعمال می‌شود. یکی از بخش‌هایی که نقطه‌ی حساس بسیاری از کشورها محسوب می‌شود، تأمین امنیت غذایی برای مردمان است. چرا که نقطه‌ی عطف زندگی و فعالیت در هر جامعه‌ای، با لزوم توجه به تغذیه صورت می‌گیرد. از آنجاییکه در تمامی کشورها، امکان کشت و زرع و توسعه‌ی کشاورزی به منظور رفع تمامی نیازهای غذایی وجود ندارد، لذا بخشی از نیازها از سایر کشورها تأمین می‌گردد؛ بنابراین پس از اعمال تحریم بر کشور هدف، ممانعت از این تجارت به عمل آمده و کشور مورد تحریم ضربه‌ی مهلکی دریافت می‌دارد.

در دورانی که طی سالهای گذشته، تحریمی همه‌جانبه علیه ایران از سوی کشورهای با نفوذ در عرصه‌ی جهانی صورت گرفت، یکی از بخش‌های مورد نظر، بخش کشاورزی و به طبع آن امنیت غذایی مردم بود. تلاش‌های بسیاری صورت پذیرفت تا این کمبودها حس نشود، اما گاهی نیز محسوس بود. عامل اصلی که موجب گردید بتوان تا حدی بر این مسائل فائق آمد، لزوم توجه به امر اقتصاد مقاومتی بود که از سوی رهبر انقلاب بیان گردید. هنگامی که در دوران تحریم، بخش کشاورزی مملکت دچار رکود گشت، امنیت شغلی جامعه‌ی کشاورزان به صورت جدی تهدید گردید، طوریکه بسیاری از آنان دست از کشت و زرع برداشته و اقدام به مهاجرت از روستا به شهر نمودند. تبعات این امر ایجاد مناطق زاغه‌نشین در حاشیه شهرها و همچنین کاهش تولید حاصل از کشاورزی بود. بدین ترتیب تفکرات دشمن به بار می‌نشست و به اهداف مشخص شده می‌رسید. اکسیری که حیات بخش آن روزهای سخت بود، توسط رهبر انقلاب به رگ‌های جامعه تزریق گردید و آن بیان کلیات و جزئیات اصول اقتصاد مقاومتی بود. با داشتن نگاهی استراتژیک به بخش کشاورزی که در واقع نیز اینگونه است، این صنعت نسبت به اوضاع گذشته اش سر و سامانی گرفت و تا حدودی ترمیم شد؛ اما پس از پایان مذاکرات ۵+۱ و قضایای برجام، از شدت و حدت تحریم‌ها مقداری کاسته شده و ورود و خروج کالا آسانتر گردید. بدین گونه واردات کالاهای کشاورزی نیز سهل‌تر گشته، درحالی‌که صادرات آن‌ها نیز به کندی صورت می‌گرفت. بدین ترتیب دگر باره امنیت شغلی قشر زحمت‌کش کشاورزان به چالش کشیده شد. چرا که تولیدات آن‌ها به علت فرآوری ضعیف که در مراحل بعدی تولید قرار دارد، بازار پسند نبوده و کمتر مورد توجه قرار گرفتند. لذا با توجه به این امر لزوم توجه بیشتر به اقتصاد مقاومتی، حتی در دوران پسا تحریم نیز حتمی و واجب است. همانطوریکه رهبر انقلاب در نامگذاری سال ۱۳۹۵ نیز این امر را گوشزد نمودند.

در این مقاله تلاش می‌شود ضمن تبیین نقش کشاورزی در جامعه، توجه به اهمیت اقتصاد مقاومتی را در این بخش نشان داده و لزوم تأمین امنیت شغلی کشاورزان را در پرتو عنایت به اقتصاد مقاومتی بررسی نماییم.

۲. بررسی جایگاه کشاورزی

اندازه‌گیری ارزش کشاورزی برای یک ملت غیر ممکن است. چون کشاورزی از یک سو مواد غذایی و سایر مواد مورد نیاز جامعه را که برای ادامه حیات لازم می‌باشند را تأمین و از سوی دیگر، هنوز هم در اکثر کشورها، بزرگترین سهم را در اشتغال دارد.

سرزمین پهناور ایران منابع آبی و خاکی فراوانی دارد؛ اما با این وجود بخش وسیعی از آن برای زراعت و کشت و کار مناسب نیست و انجام هر نوع عملیاتی نیازمند وجود مدیریتی تخصصی و آگاهانه است. در این بین کشاورزان سخت‌کوش این مرز و بوم از دیرباز با حرکت در مسیر خود کفائی سعی کرده‌اند تا کشور را از واردات محصولات کشاورزی بی‌نیاز سازند. در دوران رژیم پهلوی با اتخاذ سیاست‌هایی چون یکپارچگی سرزمینی و توسعه‌ی شهرنشینی، بستر و زمینه‌ی تضعیف کشاورزی فراهم گردید و افزایش درآمد‌های حاصل از فروش نفت هم سبب شد تا

تولید کشاورزی به حال خود رها شود و کشاورزان در جستجوی کار به شهرها مراجعه کنند. با این وجود، پس از پیروزی انقلاب و تشکیل جهاد سازندگی در اوایل و سپس تأسیس وزارت جهاد کشاورزی در ۱۰ دی ماه ۱۳۷۹، همچنین با استقرار نظام مردم سالاری دینی در کشور، توجه به محرومیت زدایی از روستاها و تأکید بر کشاورزی به عنوان محور کشور، تلاش های گسترده ای برای خروج از بن بست های تولید و رسیدن به مرحله خودکفائی به ویژه در مورد محصولات راهبردی همچون گندم صورت پذیرفت.

در ایران ارزش تولیدات بخش کشاورزی که در ابتدای قرن حاضر حدود ۷۰٪ کل تولیدات کشور را تشکیل می داد، امروزه به حدود ۲۵٪ تنزل پیدا کرده است. با این وجود کشاورزی هنوز هم بزرگترین فعالیت اقتصادی غیر دولتی را تشکیل می دهد. ۹۳٪ از کل منابع آبی کشور در بخش کشاورزی مصرف می شود. کشاورزی به معنی روش های بهره برداری از منابع آب و خاک که در جهت تأمین نیازهای غذایی انسانها صورت می پذیرد، در طول تاریخ بنیان بسیاری از دگرگونی های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سرتاسر جهان بوده است. افزایش کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی به رشد صادرات و خلق فرصت های شغلی جدید منجر می شود و همچنین می تواند به بهبود امنیت غذایی، کاهش قیمت محصولات غذایی، افزایش میزان اشتغال و درآمد، وجود پیوند های اقتصادی مهم در زنجیره تولید و ایجاد تأثیر های مثبت در محیط زیست کمک کند. رونق بخش کشاورزی را عاملی مؤثر در کاهش آسیب پذیری های اجتماعی ارزیابی کرده اند، طوریکه هرگاه بخش کشاورزی دچار مشکل شود، بیکاری، طلاق و ... به وجود می آید.

بخش اصلی در رونق کشاورزی، کشاورز و مدیریتی است که توسط وی و همچنین بر وی صورت می پذیرد؛ یعنی بخش کشاورزی هنگامی مولد است و می توان آنرا سودمند دانست که بهره وری داشته باشد، نه اینکه بدون اعمال مدیریت مطلوب، آب و سایر نهاده ها را مصرف کنیم تا اینکه مثلاً در هر هکتار، ۸۰۰ گرم به ازای هر متر مکعب محصول داشته باشیم. البته این بخشی از مدیریت است، بخش دیگر باید بر عاملین امر صورت پذیرد. شناسایی دغدغه ها و نیازهای کشاورزان، به عنوان قشری که در تولید و توسعه نقش دارند، بسیار لازم و ضروری خواهد بود. اگر می خواهیم رونق اقتصادی در بخش کشاورزی داشته باشیم، باید شرایط را جهت بهبود اوضاع فراهم نماییم. کشاورزی نسبت به صنایع دیگر از آسیب پذیری کمتری برخوردار است و زمینه ی سرمایه گذاری های بسیاری در آن وجود دارد. در عین حال که ظرفیت ها و پتانسیل های صادراتی در این بخش می تواند با توجه به کاهش قیمت نفت مطمئن ترین راه برای کسب درآمد کشور باشد.

۳. کلیات امنیت شغلی و ابعاد آن

در مفهوم امنیت شغلی موضوعاتی چون تغییرات شغلی، از دست دادن شغل و عدم دستیابی به شغل مناسب گنجانده شده است. برخی از روانشناسان صنعتی و سازمانی معتقدند که امنیت شغلی یکی از عوامل ایجاد رضایت شغلی است. این مهم یکی از دغدغه های اساسی افراد وابسته به یک سازمان یا تشکیلات است که قسمت زیادی از انرژی روانی کارکنان صرف آن می شود و گاهی اوقات برای سازمانها مشکل آفرین است. در دنیای امروز امنیت شغلی با امنیت اجتماعی گره خورده است. امنیت شغلی از دیدگاه نوینی مورد توجه است و آن توجه به امنیت شغلی از طریق تواناسازی و پرورش انسانها است. در مفهوم جدید امنیت شغلی، سازمانها باید به افراد وابسته شوند، یعنی سازمانها بایستی زمینه های لازم را برای تواناسازی کارکنان خود در ابعاد تخصصی، جسارت علمی، تجربه آموزی و ... را فراهم کنند تا کارکنان بتوانند انتظارات تخصصی و اجتماعی سازمان را برآورده سازند. توانا شدن کارکنان یک سازمان بدین صورت تضمین کننده ی امنیت شغلی است که کارکنان سازمان در بازار کار خارج از

سازمان نیز به لحاظ توانمندی‌های کسب شده می‌توانند جذب شوند. در سازمان‌های عصر حاضر، تنها رسمی شدن و استخدام ثابت، تضمین کننده ی امنیت شغلی نیست، بلکه کارآیی، تخصص، بالندگی، تفکر خلاق، نوآوری و مؤلفه‌هایی از این قبیل هستند که امنیت شغلی کارکنان را ضمانت می‌کنند. بدین ترتیب متوجه می‌شویم که امنیت شغلی یعنی سازمان موجبات تواناسازی فرد را فراهم کند. امنیت شغلی که منجر به ایجاد رضایت شغلی می‌گردد، موجب می‌شود تا بهره‌وری فرد افزایش یابد، فرد نسبت به سازمان متعهدتر گردد، سلامت فیزیکی و ذهنی فرد تضمین شود، روحیه ی فرد افزایش یابد، از زندگی راضی باشد و مهارت‌های جدید شغلی را به سرعت آموزش ببیند؛ بنابراین عادلانه بودن رفتار، گفتار و منش مدیران و شیوه‌های توزیع منابع و پاداش‌های سازمان، در پایبندی و تعهد کارکنان به اهداف متعالی سازمان مؤثر خواهد بود.

تکنیک‌هایی جهت افزایش میزان امنیت شغلی وجود دارد که مختصراً عبارتند از: (۱) در دوران سخت اقتصادی هیچکس امنیت کامل شغلی ندارد. برای حفظ شغل باید نشان داد که برای شرکت ارزش آفرین است. طوریکه بدون حضور فرد، شرکت نمی‌تواند درست فعالیت کند. (۲) در کار تیمی مهارت پیدا کرد. در اکثر محیط‌های کاری، تیم‌ها اهمیت خاصی دارند و اگر فرد تک رو باشد و نتواند در گروه کار کند، جزء اولین گزینه‌های اخراج در دوران تعدیل نیرو خواهد بود. (۳) مثبت اندیش باشد. (۴) از رئیس خود نظر بخواهد. (۵) سخت کار کند. (۶) به روز باقی بماند، رفتار در محیط کار نشان دهنده ی شخصیت فرد و مدیران سازمان است. رفتار طبق مقررات و استانداردها به ارتقاء شغلی منجر می‌شود.

۴. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به مثابه الگویی اقتصادی، بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، نه یک راهبرد کوتاه مدت برای شرایط کنونی کشور، بلکه یک تدبیر بلند مدت است که می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند. هرچند گرایش به اقتصاد مقاومتی مختص کشور ما نیست و بسیاری از کشورهای جهان در صدد مقاوم سازی اقتصاد خود برآمده‌اند، اما به دلیل وجود سوء نیت‌ها، تهاجمات و تحریم‌ها، نیاز ما به تحقق اقتصاد مقاومتی بیش از سایر کشورها است.

مقام معظم رهبری در شهریور ماه سال ۱۳۸۹ برای اولین بار واژه ی اقتصاد مقاومتی را که از آن به عنوان راه برون رفت از مقطع حساس و سرنوشت ساز کنونی (آن دوره) یاد کرده‌اند، وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی ما نمودند. طبق تعریفی که ایشان بیان می‌دارند، می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه عمومی است؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد.

در دورانی که تحریم‌ها علیه ایران تشدید گردیدند، ذهن اندیشمندان داخلی به طراحی و پیاده سازی اقتصاد مقاومتی معطوف گردید. بدین صورت تعاریف مختلفی در این باره بیان گردید که برخی از آن‌ها عبارتند از: (۱) الگوی اقتصاد مقاومتی، یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می‌کند. به گونه ای که از سویی ناظر بر اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر، با اتکاء بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفاء کرده و زمینه ساز هدایت بشر است. (۲) اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن در شرایط آرمانی. تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه،

مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

پیش شرط و التزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است. (۳) اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند. برای شناخت بسترها و زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، نخست باید به آسیب‌شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندی‌های تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت.

با توجه به تعاریف فوق، می‌توان بیان نمود که اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر مدیریتی است که باید بتواند: الف) آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر خطرهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش دهد. ب) در شرایط فشار، روند رو به رشد اقتصادی و شکوفایی در کشور را حفظ کند. ج) حوزه‌های فشار را شناسایی نموده و به دنبال آن، برای واپاشی و بی‌اثر کردن آن‌ها و تبدیل تهدیدات به فرصت، قابلیت داشته باشد. د) با اتکاء بر قوت‌های اقتصاد داخلی، به مقابله با ضعف‌ها بپردازد.

همانطور که بیان گردید، اقتصاد مقاومتی مختص ایران نیست و بسیاری از کشورها به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خود هستند. مباحث مرتبط با مقاوم‌سازی اقتصاد در دنیای امروز تحت عنوان تاب‌آوری^۱ مورد بحث واقع می‌شود. اهمیت تاب‌آوری اقتصادی به قدری است که سازمان‌ها و نهاد‌های بسیاری در طی سال‌های گذشته در این باره، گزارشات مختلفی تدوین و اجلاس‌هایی با این موضوع تشکیل داده‌اند؛ مثلاً گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۴ توسط بانک جهانی پیرامون ریسک و فرصت، گزارش رقابت‌پذیری سال ۲۰۱۳ مجمع جهانی اقتصاد با عنوان رقابت‌پذیری تاب‌آور و همچنین اجلاس داووس سال ۲۰۱۳ با عنوان پویایی تاب‌آور نمونه‌هایی از اسناد منتشر شده و همایش‌ها با این موضوع هستند.

اهم موضوعاتی که سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دنبال تبیین آن است، عبارتند از:

۱) کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد: شاخصه یک اقتصاد مقاومتی، توانایی مقاومت اقتصاد در برابر عوامل تهدیدزا است. به بیان دیگر، پایین بودن درجه آسیب‌پذیری اقتصاد از تکانه‌های درونی و بیرونی است. این مهم با کاهش درجه‌ی بالای وابستگی اقتصاد در نیازهای راهبردی یا وابستگی به مؤلفه‌های پیشران محدود محقق می‌شود. وابستگی تولید و مصرف به واردات، وابستگی به شرکای تجاری محدود، وابستگی به منابع درآمدی یا ارزی محدود، وابستگی به منابع انرژی محدود و ... از مصادیق غیر مقاومتی بودن اقتصاد است.

۲) پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان: اقتصاد وابسته به منابع طبیعی و نهاده‌های ارزان نمی‌تواند ساخت مقاومتی داشته باشد و در یک اقتصاد مقاومتی، پیشران اصلی اقتصاد، دانش و نوآوری است. بدین معنی که سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان در کل تولید ناخالص داخلی بالا بوده و بخش اعظم دانش افزوده، توسط نیروی کار متخصص آفریده شده و در واقع مبتنی بر سرمایه‌های انسانی و نه صرفاً فیزیکی است.

۳) اصلاح الگوی مصرف: سیاست‌های کلی اصلاح لگوی مصرف که در سال ۱۳۸۹ ابلاغ گردید، به مثابه بخشی از نقشه کلان اقتصاد مقاومتی مد نظر بوده و هست، همانطور که در متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مد نظر قرار گرفته است.

۴) اتخاذ سیاست‌های تولید محور (در عوض شیوه‌های واردات محوری): حمایت از تولید محصولاتی که عرضه رقابتی آن‌ها با خالص‌سازی مثبت یا خالص‌سازی منفی همراه باشد و توسعه فرهنگ حمایت از سرمایه، کار، کالاها و خدمات ایرانی با استفاده از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران اقتصادی، از مهم‌ترین راه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی است.

۵) مقابله با ضربه پذیری درآمد نفت: نظامات اقتصادی کشور در گذشته و حال به گونه ای شکل گرفته اند که بخش قابل توجهی از منابع بودجه دولت ها و نیز بخش قابل توجهی از درآمد های ارزی کشور، متکی بر فروش نفت و گاز و یا مشتقات آن ها است. لذا وقوع نوسانات ناخواسته و پیش بینی نشده در درآمد های نفتی می تواند صدمات قابل توجهی به اقتصاد کشور وارد آورد.

۶) اصلاح نظام مالی کشور: نظام پولی و مالی در یک اقتصاد پیشرو و مقاوم، در خدمت اهداف بخش واقعی اقتصاد قرار دارد، یعنی پشتیبان بخش تولید است و نه رقیب آن. بدون همراهی نظام تأمین مالی کشور، امکان مقاوم سازی و تولید محوری و فساد زایی از سیستم اقتصادی وجود ندارد. طراحی و سیاست گذاری نامناسب نظام مالی از یک سو موجب عدم ثبات در کل اقتصاد شده و از سوی دیگر، انواع تأمین مالی کوتاه مدت و بلند مدت برای فعالیت های مولد و پوشش ریسک های تولید را با مشکل مواجه می کنند. مطالب تکمیلی درباره اقتصاد مقاومتی را می توان با مراجعه به گزارشات و همچنین متن سیاست های کلی این موضوع جستجو نمود.

۵. بررسی اهمیت تأمین امنیت شغلی کشاورزان در چهارچوب سیاست های اقتصاد مقاومتی

بخش کشاورزی باید به نیاز غذای جمعیت کنونی و آتی ایران پاسخ دهد و کشور را از وابستگی به خارج رها سازد. این بخش همچنین بایستی مواد اولیه ی صنایع اعم از صنایع غذایی، نساجی، چوب و کاغذ و ... را تأمین نماید. کشاورزی ایران باید نیازهای درون بخشی خود از جمله زراعت و دامپروری را برطرف سازد، در درون خود و با بخش صنعت ارتباط متقابل برقرار کند و رشد متعادل و متوازن و مستقل را در کل اقتصاد کشور موجب شود؛ اما این همه چگونه امکان پذیر خواهد بود؟ روشن است که با توجه به رکود چند قرنی کشاورزی ایران و به بیراهه رفتن و عدم سرمایه گذاری لازم در آن، همچنین با در نظر گرفتن حجم عظیم کار و مشکلات متعدد طبیعی، اجتماعی و اقتصادی موجود، دستیابی به رشد و توسعه ی مورد نظر به آسانی ممکن نیست.

توسعه ی کشاورزی و حل مشکلات آن نمی تواند جدای از دیگر بخش ها به ویژه صنعت صورت گیرد. صنایع داخلی باید به گونه ای توسعه یابند که نیازهای متنوع بخش کشاورزی را بدون اتکاء به مواد اولیه و ماشین آلات خارجی برطرف سازند. توسعه ی کشاورزی بدون توسعه ی علوم، از میان برداشتن بیسوادی و تربیت نیروی ماهر برای انجام وظایف گوناگون کشاورزی نوین ممکن نیست. با ایجاد تمایل و انگیزه در روستاییان از طریق افزایش درآمد آنان، انجام اصلاحات ارضی واقعی، یک کاسه کردن زمین های کشاورزی از طریق ایجاد تعاونی های تولید روستایی، حذف نظام دلالی و واسطه گری در خرید و فروش محصولات کشاورزی و کالاهای مصرفی روستاییان از راه گسترش تعاونی های مصرف و از میان برداشتن رباخواری و اشکال پوشیده تر آن (سلف خری، نسبه فروشی و ...) از طریق توسعه تعاونی های اعتباری، می توان بخش کشاورزی را برای ایفای نقش رهایی بخش خود آماده کرد.

اگر کشاورزی مملکتی توسعه یابد، نیاز سهم کثیری که از این طریق امرار معاش می نمایند، بر طرف می شود. این امر بدین معنی است که باید عاملین فرآیند تولید را حمایت نمود تا بتوان انتظار بهره وری بالا داشت.

همانطور که از توصیفات اقتصاد مقاومتی برآمد، باید برنامه ریزی جامعی صورت پذیرد تا بتوان به کشاورزی به عنوان یک صنعت پویا و مولد در راستای اهداف بلند مدت کشور نگرست. عدم وجود ساماندهی و سازماندهی که با اتکا به آن می شد اوضاع را بسیار بهتر از حال نمود. این فرآیند باید با حمایت همه جانبه دولت از تولیدات کشاورزی صورت پذیرد. البته

مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

می دانیم که بخش کشاورزی در ایران غیر دولتی است، اما با وجود و حضور دولت روند کشاورزی و تولیدات تکمیل می گردد. حمایت های دولت نباید فقط در هنگام خرید محصولات، قول خرید تضمینی را به کشاورز داد، بلکه باید این عمل از ابتدای امر صورت پذیرد. می توان اهرم هایی را به کار برد که نه تنها هزینه ی چندانی برای دولت ندارد، بلکه بازدهی بسیاری نیز خواهد داشت. یکی از این اهرم ها، بسط و گسترش و ترویج اصول صحیح کشاورزی است. این بخش تحولات ساختاری و کارکردی زیادی را تجربه کرده است، طوریکه با تکیه بر آن می توان اقتصاد کشاورزی را فعال تر نمود. لزوم این امر به کارگیری افراد متخصص در این کار جهت حمایت از تولیدات کشاورزی است. بدین ترتیب و با افزایش کیفیت محصولات، می توان یکی دیگر از اصول اقتصاد مقاومتی را که کاهش آسیب پذیری اقتصاد است، جامه ی عمل پوشانید. قدم دیگر انجام مطالعات پایه در راستای حمایت از اقتصاد دانش بنیان برای رسیدن به اقتصاد در بخش کشاورزی است. به عنوان مثال، در مناطق ارتفاعات رشته کوه زاگرس، نوعی بادام کشت می گردد که به نام بادام مامائی شهرت دارد. درآمد حاصل از فروش یک تن از این محصول، برابر فروش پنج میلیون بشکه نفت است. بدین ترتیب می توان با انجام مطالعاتی در بخش های آزمایشگاهی و انجام اصلاح نژاد، بادام تلخ کوهی را به محصولی پردرآمد تبدیل نمود. نقش اقتصاد دانش بنیان در بخش کشاورزی بسیار پر رنگ است، زیرا بخش عمده افزایش کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی با توجه به تغییراتی که در ژنتیک آن ها صورت می گیرد، حاصل می شود.

توجه به سیاست های تولید محور به جای واردات بی رویه و غیر کارشناسی نیز در این بخش بسیار مهم است، بدین منظور مسئولین امر می توانند با ترغیب کشاورزان به کسب سود بیشتر، الگوی کشت نادرست را که در برخی مناطق نهادینه شده است، تغییر دهند. بدین ترتیب سیاست های تولید محور تحقق می یابد، چرا که اصرار بر کشت یک نوع نه تنها باعث زوال زمین و منابع می گردد، بلکه باعث واردات بی رویه جهت تأمین دیگر اقلام را نیز افزایش می دهد. در این صورت با افزایش تنوع کشت، امکان خرید سریعتر محصولات تولیدی توسط کشاورزان نیز بیشتر خواهد بود، همچنین افزایش تولیدات مختلف، افزایش محصولات با کیفیت را نیز منجر خواهد شد و اینگونه فرصت های شغلی جدیدی نیز به وجود آمده و امنیت غذایی بهبود می یابد.

محور اقتصاد مقاومتی بخش کشاورزی است، لذا اکنون که سیاست های کلان اقتصادی کشور به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی در حرکت است، این بخش می تواند علاوه بر تضمین بدیهی ترین نیاز جامعه، یعنی امنیت غذایی، باعث آسودگی خاطر کشاورزان و خانواده های آنان از بابت تأمین نقدینگی و امرار معاش نیز گردد. در سایر کشور ها، دولت ها به عنوان مشوقی در بخش کشاورزی محسوب می شوند، طوریکه با ایجاد انگیزه و تأمین امکانات مورد نیاز جهت افزایش بهره وری، بازخورد و سود سرمایه گذاری حاصل را به زودی کسب می نمایند. در ایران نیز با بهره برداری از سیاست های اقتصاد مقاومتی که به منظور استحکام بخشیدن به اقتصاد کشور در تمامی ابعاد طرح ریزی شده است، می توان به این مهم دست یافت. لزوم توجه به این امر زمانی بیشتر آشکار می شود که ارزیابی عالمانه نیم قرن برنامه ریزی و توسعه در ایران بیشتر از همه دربردارنده این پیام مهم است که اولاً حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی مصرف شده تناسبی با دستاوردهای حاصله نداشته و علی رغم آنکه پیشرفت های مهمی در برخورداری از مواهب توسعه نسبت به گذشته ایجاد شده است، اما شکاف و فاصله تاریخی ایران با نظام جهانی و نیز آرمانها و اهداف ملی روز به روز افزایش یافته است. لذا ضرورت دارد رویکرد حاکم بر نظام برنامه ریزی کشور مورد بررسی قرار گرفته و آسیب های آن شناسایی شوند تا بتوان بر اساس آن برای تدوین استراتژی ملی توسعه اقتصادی در کشور اقدام نمود. مطمئناً در شرایط کنونی کشور، اقتصاد مقاومتی همان برنامه ی استراتژیک جهت توسعه در تمامی بخش ها است.

۶. نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران تا قبل از رشد سرمایه داری در کشور های اروپایی تا حد تسلط بر بازار جهانی، دوره هایی توأم با افت و خیز داشته است. هرگاه که راهها امن بوده اند، تجارت داخلی و خارجی برقرار بوده و رشد و توسعه ی اقتصادی به وجود آمده است. در شرایط غیر از این، یعنی در هنگامه ی جنگ ها و یا هجوم و تسلط بیگانگان بر کشور، نه تنها رشد و توسعه متوقف شده، بلکه گاه نتایج قرن ها توسعه اقتصادی نیز نابود شده است. وجود تعامل بین بشریت برای ادامه زندگی اجباری است، اما اگر این تعامل تبدیل به وابستگی گردد، هراس انگیز خواهد شد. چرا که با کوچکترین اقدامی از جانب دیگران، ممکن است شرایط را به نفع خود تغییر داده و موجبات سقوط اقتصادی و ... را فراهم سازند، به همین دلیل است که طبق اصول سیاست های اقتصاد مقاومتی، اقتصادی که فقط در پی یک محصول و یک شریک تجاری باشد، اقتصاد مقاومی نخواهد بود. توسعه ی اقتصادی وابسته، توأم با رشد جمعیت، منجر به افزایش هزینه‌های ناشی از واردات جهت رفع نیاز ها خواهد بود. بدین ترتیب فقط دست به دامان محصولاتی همچون نفت می شویم تا امرار معاش نماییم، غافل از اینکه دچار اقتصاد تک محصولی شده و زیان خواهیم دید.

ظهور و بیان اقتصاد مقاومتی نتیجه ی تفکری است که مانع از بروز چنین فجایی شود. اقتصاد مقاومتی بیان می دارد که نباید متکی به یک زمینه بود و خود را معطوف آن کرد. باید تمامی شرایط را در تمامی اوقات سنجیده و با توجه به اصول اقدام نمود. اگر تفکر اقتصاد مقاومتی، قبل از وقوع قضایای تحریم بیان می شد، میزان صدمات وارده به اقتصاد کشور و فشار های متحمل از سوی مردم، بسیار کمتر از شرایط به وقوع پیوسته می بود. تشویق عاملین مؤثر در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی، نه تنها به ترمیم اقتصاد کشور کمک می نماید، بلکه شرایط آتی را نیز طرح ریزی خواهد نمود. البته که طبق سیاست های اقتصاد مقاومتی، بخش کشاورزی در اولویت قرار داشته و باید سرآمد امور باشد. با مقاوم سازی پیکره کشاورزی، دشمن سد بزرگی در مقابل نفوذ خود در این بخش خواهد دید. اگر بخش کشاورزی را از پایه جدی گرفته شود، یعنی با حمایت از کشاورز و ایجاد این تفکر در وی که اگر در دوران جوانی فعالیت نماید، از امنیت شغلی و خاطر آسوده در دوران کهنسالی بهره مند خواهد شد، بخش اعظمی از مشکلات مملکت حل خواهد شد. دلیل این گفته آن است که عموم ملت از کمبود و یا گاه نبود یک کالای اساسی مرتبط با تغذیه به هراس می افتند، اگر فکر ملت از این بابت آسوده باشد، محرکه ای بزرگ جهت حرکت به سوی فتح قله های رفیع خواهد بود. بدین ترتیب می توان متوجه شد که چگونه می توان با انجام یک سرمایه گذاری در کوتاه مدت، سود عظیمی در بلند مدت کسب کرد که همه از آن نافع خواهند شد.

منابع

- رزاقی، ابراهیم. (۱۳۶۸). اقتصاد ایران. چاپ دوم. تهران؛ نشر نی
- کوپاهی، مجید. (۱۳۸۶). اصول اقتصاد کشاورزی. چاپ یازدهم. تهران: دانشگاه تهران
- نویخت، محمد باقر. (۱۳۸۵). پژوهشهای راهبردی در اقتصاد ایران، چاپ اول. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- بخش اقتصادی روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۵، شماره ۲۶۴۷۸، سال نودم

مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

- کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اصل ۴۴ (۱۳۹۳). گزارش سیاست های اقتصاد مقاومتی و قوانین متناظر و پیشنهاد هایی در مورد نحوه اجرایی شدن آنها. دوره نهم مجلس شورای اسلامی، سال سوم، تهران. گزارش

۲۸

- متن ابلاغی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی توسط رهبر انقلاب اسلامی به سران قواء، (۱۳۸۹). تهران
- حافظیه، علی اکبر. سیف، الله مراد. (۱۳۹۲). راهبرد های تجارت بین الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. سال شانزدهم، شماره ۶۰: صص ۱۸۳-۲۱۶.
- بابائی، شاهرخ و همکاران، (۱۳۹۴). تأثیر عدالت سازمانی و امنیت شغلی بر تعهد سازمانی از طریق اعتماد به مدیران. فصلنامه ی پژوهشهای مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع). سال هفتم. شماره دو: صص ۵۳-۷۷.



SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

توجه: بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL
پروپوزال

توجه: پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

ISI
Scopus

توجه: آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو